

علم أصول الفقه

۷۳

۹۱-۲-۱۰ مبادئ مختص تصديقي

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

شؤون معصومان عليهم السلام

- شاید اولین کسی که در بین مسلمانان به صورت علنی و آشکار این مطلب را به عنوان یک نظریه مطرح کرد، شخصی مصری به نام علی عبد الرزاق (الرازق) بود. وی در کتاب اسلام و اصول حکومت بر این عقیده است که حضرت صلی الله علیه و آله یا اصلاً تشکیل حکومت نداد و یا آنچه انجام داد، مستند به دین نبود. این نظر در همان ابتدای طرح به شدت مورد انکار جهان اسلام واقع شد و علمای دانشگاه الازهر (که خود عبدالرزاق یکی از تحصیل کرده‌های آنجا بود) جزو اولین کسانی بودند که در مقابل این کتاب موضع‌گیری کردند و نویسنده‌ی آن را تکفیر نمودند.

شؤون معصومان عليهم السلام

- در کلام شیعه، زعامت و رهبری اولاً شایسته کسی است که از نبوت یا امامت به معنای علم الهی برخوردار است و با وجود چنین کسی نوبت به زعامت کس دیگری نمی‌رسد. بنابراین زعامت فقیه فقط در صورتی است که معصوم علیه السلام در جامعه حاضر نباشد.

شؤون معصومان عليهم السلام

- فرض این است که ادعایی را در دادگاه مطرح کرده و توانسته از نظر قضایی آن را ثابت نماید، از این رو قاضی به نفع او حکم کرده است.

شؤون معصومان در کلمات فقها و اصولی ها

- شأن بشری و طبیعی معصومان علیهم السلام مورد توجه فقها و اصولی های شیعه و سنی بوده و آن را مطرح کرده اند. اکثر آنها پذیرفته اند که در بین افعال رسول صلی الله علیه و آله، افعالی وجود دارد که به طبیعت و عادت و به تعبیر شهید اول به جبلت مربوط می شود.

شؤون معصومان در کلمات فقها و اصولی ها

- شهید اول در قواعد و فوائد این بحث را طرح و برای آن مثال‌هایی ذکر می‌کند. البته وی و به تبع او، صاحب قوانین، این بحث را عمدتاً روی افعال رسول صلی الله علیه و آله برده‌اند.
- علت این امر آن است که در نظر آنان در اقوال رسول صلی الله علیه و آله کمتر با این مشکل مواجه هستیم که آیا سخن حضرت دینی بوده است یا غیر دینی.
- سخن به تعبیری زبان دارد و با وجود زبانش، جهت خود را مشخص می‌نماید؛ در حالی که فعل و رفتار زبان ندارد و بیننده را همواره با چنین پرسشی مواجه می‌سازد.

شؤون معصومان در كلمات فقها و اصولی ها

- قاعدة - ٦١ أفعال النبي صلى الله عليه وآله حجة، كما أن أقواله حجة.
- و لو تردد الفعل بين الجبلى «٤» و الشرعى فهل يحمل على الجبلى، لأصالة عدم التشريع أو على الشرعى «٥»، لأنه صلى الله عليه وآله بعث لبيان الشرعيات؟
- (٤) فى (ك): الحلّ. و ما أثبتناه هو الصواب.
- (٥) فى (ك): للتشريع.

شؤون معصومان در كلمات فقها و اصولی ها

- و قد وقع ذلك في مواضع:
- منها: جلسة الاستراحة، و هي ثابتة من فعله صلى الله عليه و آله «٦».
- و بعض العامة «٧» زعم أنه إنما فعلها بعد أن بدن و حمل اللحم، فتوهم أنه للجبلة.
- (٦) انظر: البيهقي - السنن الكبرى: ٢ - ١٢٣.
- (٧) انظر: ابن قدامة - المغنى: ١ - ٥٢٩، و البابر تي - شرح العناية على الهداية، بهامش فتح القدير لابن الهمام: ١ - ٢١٧.

شؤون معصومان در كلمات فقها و اصولی ها

- و منها: دخوله من ثنية كداء «١»، و خروجه من ثنية كدى «٢»، فهل ذلك لأنه صادف طريقه، أو لأنه سنة؟ و تظهر الفائدة فى استحبابه لكل داخل.
- (١) كداء - بالفتح و المد - الثنية العليا بمكة مما يلي المقابر، و هو المعلى. انظر: ابن الأثير - النهاية: ٤ - ١٢، مادة (كدا).
- (٢) كدى - بالضم و القصر - الثنية السفلى مما يلي باب العمرة. انظر نفس المصدر السابق.

شؤون معصومان در كلمات فقها و اصولی ها

- و منها: نزوله بالمحصب «۳» لما نفر في الأخير «۴»، و تعريسه لما بلغ ذا الحليفة «۵» «۶». و ذهابه بطريق في العبد، و رجوعه بآخر.
- و الصحيح حمل ذلك كله على الشرعي.

شؤون معصومان در كلمات فقها و اصولی ها

- (۳) المحصب هو: الشعب الذي مخرجه إلى الأبطح بين مكة و منى.
- انظر: المصدر السابق: ۱ - ۲۳۲، مادة (حصب).
- (۴) انظر: صحيح مسلم: ۲ - ۹۵۱، باب ۵۹ من كتاب الحج، حديث: ۳۳۷ - ۳۳۸.
- (۵) ذو الحليفة: موضع على مقدار ستة أميال من المدينة مما يلي مكة، و هو ماء لبني جشم. انظر: الفيروز آبادي - القاموس المحيط: ۳ - ۱۲۹، مادة (حلف).
- (۶) انظر: صحيح مسلم: ۲ - ۹۸۱، باب ۷۷ من كتاب الحج، حديث: ۴۳۰ - ۴۳۴.

شؤون معصومان در کلمات فقها و اصولی ها

- شهید ثانی نیز مطالبی در این زمینه ذکر کرده و مثال‌های شهید اول را مطرح نموده است.
- وی همانند اکثر افرادی که به این بحث پرداخته‌اند، تحت تأثیر شهید اول است.
- در واقع شهید ثانی، صاحب قوانین و دیگران، عبارات شهید اول را در این زمینه، نقل و توضیح داده‌اند.

شؤون معصومان در کلمات فقها و اصولی ها

- یکی از مثال‌هایی که شهید اول در این زمینه نقل می‌کند، جلسه‌ی استراحت است. حضرت رسول صلی الله علیه و آله بعد از سجده‌ی دوم و قبل از برخاستن از زمین برای رکعت بعد، یک لحظه می‌نشستند.

شؤون معصومان در كلمات فقها و اصولی ها

- و قد وقع ذلك في مواضع:
- منها: جلسة الاستراحة، و هي ثابتة من فعله صلى الله عليه و آله «٦».
- و بعض العامة «٧» زعم أنه إنما فعلها بعد أن بدن و حمل اللحم، فتوهم أنه للجبلة.
- (٦) انظر: البيهقي - السنن الكبرى: ٢ - ١٢٣.
- (٧) انظر: ابن قدامة - المغنى: ١ - ٥٢٩، و البابر تي - شرح العناية على الهداية، بهامش فتح القدير لابن الهمام: ١ - ٢١٧.

شؤون معصومان در کلمات فقها و اصولی ها

- علمای اهل سنت معتقدند، این نشستن مربوط به طبیعت رسول صلی الله علیه و آله بود. حضرت صلی الله علیه و آله پس از آن که کمی چاق شده بودند، چنین می کردند و این نشستن جنبه‌ی دینی نداشته است.

شؤون معصومان در کلمات فقها و اصولی ها

- لازم است بدانیم که در نظر شیعه جلسه‌ی استراحت مستحب است و وجوبی ندارد. البته برخی قایل به وجوب نیز شده اند.

شؤون معصومان در كلمات فقها و اصولی ها

- و يستحب أن يجلس بين السجدين جلسة الاستراحة، ثم يسجد الثانية على هيئة الأولى سواء. فإذا رفع رأسه منها جلس **جلسة الاستراحة**،

شؤون معصومان در كلمات فقها و اصولی ها

- مسألة: جلسة الاستراحة مستحبة،
- قاله الشيخ، و به قال أبو حنيفة: و هو المروى عن مالك و أكثر أهل العلم و قال علم الهدى: واجبة و به قال الشافعى: لرواية أبى حميد و مالك بن الحويرث «٢». (٢) سنن البيهقى ج ٢ ص ١٢٣.
- لنا - مقتضى الأصل عدم الوجوب و لا معارض له، و ما رواه أبو هريرة «ان النبى صلى الله عليه و آله كان ينهض على صدور قدميه» «٣» (٣) سنن البيهقى ج ٢ ص ١٢٤.

شؤون معصومان در كلمات فقها و اصولی ها

- و مثله «روى عن أبى بكر و عمر» «٤» (٤) سنن البيهقى ج ٢ ص ١٢٥. و لو جلس بعد السجود لما نهض كذلك، و ما ذكره عن أبى حميد يحمل على
- الاستحباب جمعا بين المختلف، و ما رواه ابن الحويرث من فعل النبى صلى الله عليه و آله فإنه حكاية فعل و لعل ذلك العلو لكونها سنة لا لأنها واجبة.

شؤون معصومان در كلمات فقها و اصولی ها

- و يؤيد ذلك من طريق الأصحاب ما رواه زرارة قال: «رأيت أبا جعفر و أبا عبد الله عليه السلام إذا رفعوا رءوسهما من الثانية نهضا و لم يجلسا» «١».
- و يدل على الاستحباب ما رواه أبو بصير قال: «قال أبو عبد الله عليه السلام: إذا رفعت رأسك من السجدة الثانية حين تريد أن تقوم فاستو جالسا ثم قم» «٢» و يؤيد ذلك ما رواه الأصبغ عن علي عليه السلام قال: «كان إذا رفع رأسه من السجود قعد حتى يطمئن ثم يقوم فليل له: كان أبو بكر و عمر إذا رفعوا من السجود نهضا على صدور إقدامهما كما ينهض الإبل، فقال: «انما يفعل ذلك أهل الجفاء من الناس ان هذا من توقير الصلاة» «٣»

شؤون معصومان در کلمات فقها و اصولی ها

- اما اهل سنت ملتزمند که جلسہ‌ی استراحت نداشته باشند و گمان می‌کنند که آن مضر به صلوة است، در حالی که حتی بر اساس مبانی اهل سنت، چنین نیست و نشستن بعد از سجده‌ی دوم ضربہ‌ای به صحت نماز نمی‌زند.

شؤون معصومان در کلمات فقها و اصولی ها

- مثال دیگر، مسیری است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هنگام ورود و خروج در مکه انتخاب کرده بودند. حضرت در هنگام ورود به مکه از سمتی می آمدند که به آن ثنیة کداء می گفتند و در هنگام خروج از آن شهر، سمتی را انتخاب می کردند که به ثنیة کدی معروف شده بود.

شؤون معصومان در كلمات فقها و اصولی ها

- الأول [فی مقدماته]
- يستحبّ للمتمتعّ و غيره الغسل عند دخول الحرم، و مضغ الإذخر، و المشى حافيا و نعله بيده، و الدعاء عند دخوله، فإذا أراد دخول مكة زادها الله شرفا اغتسل من بئر ميمون بالأبطح أو بئر عبد الصمد أو فحّ أو غيرها، و لو تعذّر اغتسل بعد دخوله، و لو أحدث بعد غسله أعاده.

شؤون معصومان در كلمات فقها و اصولی ها

- و دخول مكة من أعلاها من عقبة المدنيين، و الخروج من أسفلها من ذى طوى داعيا حافيا بسكينة و وقار، و يستحب عندنا دخوله من ثنية كداء بالفتح و المد، و هى التى ينحدر منها إلى الحجون مقبرة مكة، و يخرج من ثنية كدى بالضم و القصر منونا و هى بأسفل مكة، و الظاهر أن استحباب الدخول من الأعلى و الخروج من الأسفل عام، و قال الفاضل «١»: يختص بالمدنى و الشامى، و فى رواية يونس بن يعقوب «٢» إيماء إليه.

شؤون معصومان در كلمات فقها و اصولی ها

- و منها: دخوله من ثنية كداء «١»، و خروجه من ثنية كدى «٢»، فهل ذلك لأنه صادف طريقه، أو لأنه سنة؟ و تظهر الفائدة فى استحبابه لكل داخل.
- (١) كداء - بالفتح و المد - الثنية العليا بمكة مما يلي المقابر، و هو المعلى. انظر: ابن الأثير - النهاية: ٤ - ١٢، مادة (كدا).
- (٢) كدى - بالضم و القصر - الثنية السفلى مما يلي باب العمرة. انظر نفس المصدر السابق.

شؤون معصومان در کلمات فقها و اصولی‌ها

- انتخاب این مسیر به چه دلیل بوده است؟ آیا پیمودن این مسیر خاص یک امر دینی بوده یا منزل حضرت صلی الله علیه و آله جایی قرار داشته که مسیرهای مورد نظر راحت‌ترین راه برای رفت و آمد بوده است؟